

باب دوم

- ۱ لهذا لازمست که بدقت بلیغ تر آنچه را شنیدیم گوش دهیم مبادا که از آن ربوده شویم * زیرا هرگاه کلامیکه بوساطت فرشتگان گفته شد برقرار گردید بقسبیکه
- ۲ هر تجاوز و تغافلیرا جزای عادل میرسید * پس ما چگونه رستگار کردیم اصر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم که در ابتداء تکلم بان از خداوند بود و بعد کسانیکه
- ۴ شنیدند بر ما ثابت گردانیدند * در حالتیکه خدا نیز با ایشان شهادت میداد بآیات و معجزات و انواع قوآت و عطایای روح القدس بر حسب اراده خود *
- ۵ زیرا عالم اینها را که ذکر آنرا میکنم مطیع فرشتگان ساخت * لکن کسی در موضعی شهادت داده گفت چیست انسان که او را بخاطر آوری یا پسر انسان که از او
- ۷ نفقه نمائی * او را از فرشتگان اندکی بستر قرار دادی و ناج جلال و اکرام را بر سر او نهادی و او را بر اعمال دستهای خود کاشتی * همه چیز را زیر پایهای او نهادی
- ۸ پس چون همه چیز را مطیع او گردانید هیچ چیز را نکذاشت که مطیع او نباشد
- ۹ لکن آن هنوز نمیبینم که همه چیز مطیع وی شده باشد * اما او را که اندکی از فرشتگان کمتر شد میبینم یعنی عیسی را که برحمت موت ناج جلال و اکرام
- ۱۰ بر سر وی نهاده شد تا بفیض خدا برای همه ذائقه موت را بچشد * زیرا او را که بخاطر وی همه و از وی همه چیز میباشد چون فرزندان بسیار را وارد جلال
- ۱۱ میگرداند شایسته بود که رئیس نجات ایشان را به دردها کامل گرداند * زانرو که چون مقدس کنند و مقدسان همه از یک میباشد از اینجهه عار ندارد که ایشان را
- ۱۲ برادر بخواند * چنانکه میگوید اسم ترا برادران خود اعلام میکنم و در میان
- ۱۳ کلیسا ترا تسبیح خواهم خواند * و ابضاً من بروی توکل خواهم نمود و نیز اینک
- ۱۴ من و فرزندانیکه خدا بمن عطا فرمود * پس چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند او نیز همچنان در این هردو شریک شد تا بوساطت موت صاحب
- ۱۵ قدرت موت یعنی ابلیس را تباه سازد * و آنانرا که از ترس موت تمام عمر خود
- ۱۶ گرفتار بندگی میبودند آزاد گرداند * زیرا که در حقیقت فرشتگانرا دستگیری
- ۱۷ نمیباید بلکه نسل ابراهیم را دستگیری میباید * از اینجهه میبایست در هر امری

مشابه برادران خود شود تا در امور خدا رئیس گهنة کرم و امین شده کفاره کناهان
۱۸ قوما بکند * زیرا که چون خود عذاب کشید تجربه دید استطاعت دارد که تجربه شدگانرا اعانت فرماید *

باب سوم

- ۱ بنابراین ای برادران مقدس که در دعوت سماوی شریک هستید در رسول
- ۲ و رئیس گهنة اعتراف ما یعنی عیسی تأمل کنید * که نزد او که ویرا معین فرمود
- ۳ امین بود چنانکه موسی نیز در مقام خانه او بود * زیرا که این شخص لایق اکرامی بیشتر از موسی شمرده شد بان اندازه که سازنده خانه را حرمت بیشتر از خانه است *
- ۴ زیرا هر خانه بدست کسی بنا میشود لکن بانی هه خداست * و موسی مثل خادم
- ۵ در مقام خانه او امین بود تا شهادت دهد بر چیزهاییکه میبایست بعد گفته شود *
- ۶ و اما مسیح مثل پسر برخانه او و خانه او ما هستم بشرطیکه تا به انتهای بدلیری و فقر امید
- ۷ خود متمسک باشم * پس چنانکه روح القدس میگوید امروز اگر آواز او را بشنوید *
- ۸ دل خود را سخت مسازید چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او در روز امتحان
- ۹ در بیابان * جائیکه پدران شما مرا امتحان و آزمایش کردند و اعمال مرا نامدّت
- ۱۰ چهل سال میدیدند * از اینجهه بان گروه خشم گرفته کفتم ایشان پیوسته در
- ۱۱ دلهای خود گمراه هستند و راههای مرا نشناختند * تا در خشم خود قسم خوردم که
- ۱۲ بآرامی من داخل نخواهند شد * ای برادران با حذر باشید مبادا در یکی از شما
- ۱۳ دل شریروی ایمان باشد که از خدای حتی مرتد شوید * بلکه هر روزه همدیگر را
- ۱۴ نصیحت کنید مادامیکه امروز خواند میشود مبادا احدی از شما بفریب گناه سخت
- ۱۵ دل گردد * از آنرو که در مسیح شریک گشته ام اگر به ابتدای اعتماد خود تا به انتهای
- ۱۶ سخت متمسک شوم * چونکه گفته میشود امروز اگر آواز او را بشنوید دل خود را
- ۱۷ سخت مسازید چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او * پس که بودند که شنیدند
- ۱۸ و خشم او را جنبش دادند آبا تمام آن گروه نبودند که بواسطه موسی از مصر بیرون
- ۱۹ آمدند * و به که نامدّت چهل سال خشمکین میبود آبا نه بان عاصیانیکه بدنهای
- ۱۸ ایشان در صحرا رخنه شد * و در باره که قسم خورد که بآرامی من داخل نخواهند شد مگر
- ۱۹ آنانرا که اطاعت نکردند * پس دانستم که بسبب بی ایمانی نتوانستند داخل شوند *

باب چهارم

- ۱ پس برسم مبادا با آنکه وعده دخول در آرائی وی باقی میباشد ظاهر شود که
- ۲ احدی از شما قاصر شده باشد * زیرا که بما نیز بمثال ایشان بشارت داده شد لکن کلامیکه شنیدند بدیشان نفع بخشید از اینرو که با شنوندگان به ایمان متحد نشدند *
- ۳ زیرا ما که ایمان آوردیم داخل آن آرائی میکردیم چنانکه گفته است درخشم خود قسم خوردم که بآرائی من داخل نخواهند شد و حال آنکه اعمال او از آفرینش عالم به اتمام رسیده بود * و در مقامی درباره روز هفتم گفت که در روز هفتم **خدا**
- ۴ از جمیع اعمال خود آرائی گرفت * و باز در این مقام که به آرائی من داخل نخواهند شد * پس چون باقی است که بعضی داخل آن بشوند و آنانیکه پیش بشارت یافتند بسبب نافرمانی داخل نشدند * باز روزی معین میفرماید چونکه بزبان داود بعد از مدت مدیدی امروز گفت چنانکه پیش مذکور شد که امروز اگر آواز او را بشنوید دل خود را سخت مسازید * زیرا اگر بوشع ایشانرا آرائی داده بود بعد از آن دیگر را ذکر نمیکرد * پس برای قوم **خدا** آرائی سبب باقی میماند *
- ۱۰ زیرا هر که داخل آرائی او شد او نیز از اعمال خود بیزار امید چنانکه **خدا** از اعمال خویش * پس جد و جهد بکنیم تا بان آرائی داخل شویم مبادا کسی در آن نافرمانی عبرت آمیز بیفتد * زیرا کلام **خدا** زنک و مقتدر و برنگ تراست از هر شمشیر دودم و فرورونک تا جدا کند نفس و روح و مفاصل و مغزرا و ممیز افکار و نیتهای قلب است * و هیچ خلقت از نظر او مخفی نیست بلکه همه چیز در چشمان او که کار ما
- ۱۴ با وی است برهنه و منکشف میباشد * پس چون رئیس گهنة عظیمی داریم که از آسانها در گذشته است یعنی عیسی پسر **خدا** اعتراف خود را محکم بداریم * زیرا رئیس گهنة نداریم که نتواند همدرد ضعفهای ما بشود بلکه آزموده شده در هر چیز بمثال ما بدون گناه * پس با دلیری نزدیک بتخت فیض بیائیم تا رحمت بیابیم و فیضیرا حاصل کنیم که در وقت ضرورت (مارا) اعانت کند *

باب پنجم

- ۱ زیرا که هر رئیس گهنة از میان آدمیان گرفته شده برای آدمیان مقرر میشود

ایو

- ۳ در امور الهی تا هدایا و قربانیا برای کاهان بگذرانند * که با جاهلان و کمرهان
- ۴ میتوان ملائمت کند چونکه او نیز در کمزوری گرفته شده است * و بسبب این کمزوری او را لازمست چنانکه برای قوم همچنین برای خویشان نیز قربانی برای کاهان بگذرانند * و کسی این مرتبه را برای خود نمیگیرد مگر وقتیکه **خدا** او را بخواند چنانکه هارونرا * و همچنین مسیح نیز خود را جلال نداد که رئیس گهنة بشود بلکه او که بوی گفت تو پسر من هستی * من امروز ترا تولید نمودم * چنانکه در مقام دیگر نیز میگوید تو تا باید کاهن هستی بر رتبه ملکید صِدق * و او در ایام بشریت خود چونکه با فریاد شدید و اشکها نزد او که برهانیدش از موت قادر بود نضرع و دعای بسیار کرد و بسبب تقوای خویش مستجاب گردید * هر چند پسر بود بصیفتها تیکه کشید اطاعترا آموخت * و کامل شده جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت * و **خدا** او را برئیس گهنة مخاطب ساخت بر تبه ملکید صِدق * که درباره او مارا سخنان بسیار است که شرح آنها مشکل میباشد چونکه گوشهای شما سنگین شده است * زیرا که هر چند با اینطول زمان شمارا میباید معلمان باشید باز محتاجید که کسی اصول و مبادئ الهامات **خدا** را بشما بیاموزد و محتاج شیر شدید نه غذای قوی * زیرا هر که شیر خواره باشد در کلام عدالت نا آزموده است چونکه طفل است * اما غذای قوی از آن بالغان است که حواس خود را بوجوب عادت ریاضت داده اند تا تمیز نیک و بد را بکنند *

باب ششم

- ۱ بنابرین از کلام ابتدای مسیح در گذشته بسوی کمال سفت بجوئیم و بار دیگر بنیاد توبه از اعمال مرده و ایمان **بخدا** نهم * و تعلیم تعهدها و نهادن دستها و قیامت مردگان و داوری جاودانی را * و اینرا بما خواهیم آورد هرگاه **خدا** اجازت دهد *
- ۴ زیرا آنانیکه یکبار متور گشتند ولذت عطای ساویرا چشیدند و شریک روح القدس گردیدند * ولذت کلام نیکوی **خدا** و قووات عالم آینه را چشیدند * اگر بیفتند محال است که ایشانرا بار دیگر برای توبه تازه سازند در حالتیکه پسر **خدا** را برای خود باز مصلوب میکنند و او را بیحرمت میسازند * زیرا زمینیکه بارانها را که بارها

- بر آن میافند میغورد و نباتات نیکو برای فلاحان خود میرویانند ^۱ از خدا برکت
 ۸ مییابد * لکن اگر خار و خشک میرویانند متروک و قرین بلعنت و در آخر سوخته
 ۹ میشود * اما ای عزیزان در حق شما چیزهای بهتر و قرین نجاترا یقین میداریم
 ۱۰ هر چند بدینطور سخن میگوئیم * زیرا ^۲ خدا بی انصاف نیست که عمل شما و آن
 محبت را که با اسم او از خدمت مقدسین که در آن مشغول بوده و هستید ظاهر کرده اید
 ۱۱ فراموش کند * لکن آرزوی این داریم که هر یک از شما همین جد و جهد را برای
 ۱۲ یقین کامل امید تا به اشتهاء ظاهر نمائید * و کاهل مشوید بلکه اقتداء کنید آنانرا
 ۱۳ که به ایمان و صبر و ارث و عدهها میباشند * زیرا وقتی که ^۳ خدا به ابراهیم وعده داد
 ۱۴ چون بزرگتر از خود قسم نتوانست خورد بخود قسم خورده گفت * هر آینه من
 ۱۵ ترا برکت عظمی خواهم داد و ترا بینهایت کثیر خواهم گردانید * و همچنین چون
 ۱۶ صبر کرد آن وعده را یافت * زیرا مردم با آنکه بزرگتر است قسم میخورند و نهایت
 ۱۷ هر محاصمه ایشان قسم است تا اثبات شود * از اینرو چون ^۴ خدا خواست که عدم
 تغییر اراده خود را بوارثان وعده بتأکید بیشتر ظاهر سازد قسم در میان آورد *
 ۱۸ تا به دو امر بی تغییر که ممکن نیست ^۵ خدا در آنها دروغ گوید تسلی قوی حاصل
 شود برای ما که پناه بردیم تا بان امیدیکه در پیش ما گذارده شده است تمسک
 ۱۹ جوئیم * و آنرا مثل لنگری برای جان خود ثابت و پایدار داریم که در درون
 ۲۰ حجاب داخل شده است * جائیکه آن پیشرو برای ما داخل شد یعنی عیسی که
 بر رتبه ملک صدیق رئیس گهنة گردید تا ابداه باد *

باب هفتم

- ۱ زیرا این ملک صدیق پادشاه سالم و کاهن ^۱ خدای تعالی هنگامیکه ابراهیم از شکست
 ۲ دادن ملوک مراجعت میکرد او را استقبال کرده بدو برکت داد * و ابراهیم نیز
 از همه چیزها ده یک بدو داد که او اول ترجمه شده پادشاه عدالت است و بعد
 ۳ ملک سالم نیز یعنی پادشاه سلامتی * بی پدر و بی مادر و بی نسب نامه و بدون ابتدای
 ۴ ایام و انتهای حیات بلکه بشیبه پسر ^۲ خدا شده کاهن دائمی میباشد * پس ملاحظه
 کنید که این شخص چه قدر بزرگ بود که ابراهیم پاتر بارخ نیز از بهترین غنایم ده یک

- ۵ بدو داد * و اما از اولاد لاوی کسانی که کهانرا مییابند حکم دارند که از قوم
 مجسب شریعت ده یک بگیرند یعنی از برادران خود با آنکه ایشان نیز از صلب
 ۶ ابراهیم پدید آمدند * لکن آنکس که نسبتی بدیشان نداشت از ابراهیم ده یک
 ۷ گرفته و صاحب وعدهها را برکت داده است * و بدون هر شبه کوچک از بزرگ
 ۸ برکت داده میشود * و در اینجا مردمان مردانی ده یک میگیرند اما در اینجا کسیکه
 ۹ برزخ بودن وی شهادت داده میشود * حتی آنکه گویا میتوان گفت که بواسطت
 ۱۰ ابراهیم از همان لاوی که ده یک میگیرد ده یک گرفته شد * زیرا که هنوز در صلب
 ۱۱ پدر خود بود هنگامیکه ملک صدیق او را استقبال کرد * و دیگر اگر از
 کهان لاوی کمال حاصل میشد (زیرا قوم شریعترا بر آن یافتند) باز چه احتیاج
 ۷ میبود که کاهنی دیگر بر رتبه ملک صدیق مبعوث شود و مذکور شود که بر رتبه
 ۱۲ هارون نیست * زیرا هرگاه کهان تغییر میپذیرد البته شریعت نیز تبدیل مییابد *
 ۱۳ زیرا او که این سخن در حق وی گفته میشود از سبب دیگر ظاهر شده است که احدی
 ۱۴ از آن خدمت قربانگاه را نکرده است * زیرا واضح است که خداوند ما از سبب
 ۱۵ یهودا طلوع فرمود که موسی در حق آن سبب از جهت کهان هیچ نکفت * و نیز
 ۱۶ بیشتر همین است از اینکه بمثال ملک صدیق کاهنی بطور دیگر باید ظهور نماید * که
 ۱۷ بشریعت و احکام جسمی مبعوث نشود بلکه بقوت حیات غیر فانی * زیرا شهادت
 ۱۸ داده شده که نو تا باید کاهن هستی بر رتبه ملک صدیق * زیرا که حاصل میشود هم
 ۱۹ نسخ حکم سابق بعلت ضعف و عدم فایده آن * (از آنچه که شریعت هیچ چیز را
 ۲۰ کامل نمیکردند) و هم بر آوردن امید نیکوتر که بان تقرب ^۳ بخدا میجوئیم * و بقدر
 ۲۱ آنکه این بدون قسم نمیباشد * زیرا ایشان بیقسم کاهن شده اند ولیکن این با قسم
 از او که بوی میگوید ^۴ خداوند قسم خورد و تغییر اراده نخواهد داد که تو کاهن ابدی
 ۲۲ هستی بر رتبه ملک صدیق * همین قدر نیکوتر است آن عهدیکه عیسی ضامن آن
 ۲۳ گردید * و ایشان کاهنان بسیار میشوند از جهت آنکه موت از باقی بودن ایشان
 ۲۴ مانع است * لکن وی چون تا باید باقی است کهانت بیزوال دارد * از آنچه
 ۲۵ نیز قادر است که آنانرا که بوسیله وی نزد ^۵ خدا آیند نجات بینهایت بخشد چونکه
 ۲۶ دائما زنده است تا شفاعت ایشانرا بکند * زیرا که مارا چنین رئیس گهنة شایسته

- است قدّوس و بی آزار و بیعیب و از کاهکاران جدا شد و از آسمانها بلندتر گردید *
 ۲۷ که هر روز محتاج نباشد بمثال آن رؤسای کهنه که اول برای کاهان خود و بعد
 برای قوم قربانی بگذراند چونکه اینرا بیکار فقط بجا آورد. هنگامیکه خود را بقربانی
 ۲۸ گذرانید * از آنرو که شریعت مردمانیرا که کمزوری دارند کاهن میسازد لکن
 کلام قسم که بعد از شریعت است پسر را که تا ابد آباد کامل شد است *
 باب هشتم
 ۱ پس مقصود عهده از اینکلام این است که برای ما چنین رئیس کهنه هست که
 ۲ در آسمانها بدست راست تخت کبریاء نشسته است * که خادم مکان اقدس و آنجیمه
 ۳ حقیقی است که خداوند آنرا برپا نمود نه انسان * زیرا که هر رئیس کهنه مقرر
 میشود تا هدایا و قربانیها بگذراند و از بجهت واجب است که او را نیز چیزی باشد
 ۴ که بگذراند * پس اگر بر زمین میبود کاهن نبود چون کسانی هستند که بقانون
 ۵ شریعت هدایا را میگذرانند * و ایشان شبیه و سایه چیزهای آسمانی را خدمت
 میکنند چنانکه موسی ملهم شد هنگامیکه عازم بود که خیمه را بسازد زیرا بدو میگوید
 ۶ آگاه باش که همه چیز را بان نمونه که در کوه بتو نشان داده شد بسازی * لکن
 اهن او خدمت نیکوتر یافته است بمقداریکه متوسط عهد نیکوتر نیز هست که بر
 ۷ وعدهای نیکوتر مرتب است * زیرا اگر آن اول بیعیب میبود جای برای
 ۸ دیگری طلب نمیشد * چنانکه ایشانرا ملامت کرده میگوید خداوند میگوید اینک
 ایامی میآید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی تازه استوار خواهد نمود *
 ۹ نه مثل آن عهدیکه با پدران ایشان بستم در روزیکه من ایشانرا دستگیری نمودم تا از
 زمین مصر بر آوردم زیرا که ایشان در عهد من ثابت نماندند پس خداوند میگوید
 ۱۰ من ایشانرا واکذاردم * و خداوند میگوید این است آن عهدیکه بعد از آن ایام با
 خاندان اسرائیل استوار خواهد داشت که احکام خود را در خاطر ایشان خواهم
 نهاد و بر دل ایشان مرقوم خواهم داشت و ایشانرا خدا خواهم بود و ایشان مرا قوم
 ۱۱ خواهند بود * و دیگر کسی همسایه و برادر خود را تعلیم نخواهد داد و نخواهد
 ۱۲ گفت خداوند را بشناس زیرا که همه از خورد و بزرگ مرا خواهند شناخت * زیرا

- ۱۳ بر تقصیرهای ایشان ترحم خواهم فرمود و گناهانشانرا دیگر بیاد نخواهم آورد * پس
 چون تازه گفت اولرا کهنه ساخت و آنچه کهنه و پیر شد است مشرف بر زوال است *
 باب نهم
 ۱ خلاصه آن عهد اول را نیز فرایض خدمت و قدس دنیوی بود * زیرا خیمه
 اول نصب شد که در آن بود چراغدان و میز و نازن تقدّمه و آن بقدس مسقی
 ۲ گردید * و در پشت پرده دوم بود آن خیمه که بقدس الاقداس مسقی است *
 ۳ که در آن بود مجسمه زرین و ثابوت شهادت که همه اطرافش طلا آراسته بود و در
 آن بود حقه طلا که پر از من بود و عصای هارون که شکوفه آورده بود و دو لوح
 ۴ عهد * و بر زر آن کرویّان جلال که بر تخت رحمت سایه کستر میبودند و اهن
 ۵ جای تفصیل آنها نیست * پس چون این چیزها بدینطور آراسته شد کهنه بجهت
 ۶ ادای نوازم خدمت بیوسته بجمه اول در میآیند * لکن در دوم سالی بکمرتبه
 ۷ رئیس کهنه تنها داخل میشود و آن هم نه بدون خونیکه برای خود و برای جهالات
 ۸ قوم میگذرانند * که باین همه روح القدس اشاره مینماید بر اینکه مادامیکه خیمه
 ۹ اول بریاست راه مکن اقدس ظاهر نمیشود * و این مثلی است برای زمان حاضر
 که بحسب آن هدایا و قربانیها را میگذرانند که قوت ندارد که عبادت کنند را
 ۱۰ از جهت ضمیر کامل کردند * چونکه اینها با چیزهای خوردنی و آشامیدنی و طهارات
 ۱۱ مختلفه فقط فرایض جسدی است که تا زمان اصلاح مقرر شده است * لیکن
 مسیح چون ظاهر شد تا رئیس کهنه نعمتهای آید باشد بجمه بزرگتر و کاملتر و نا
 ۱۲ ساخته شد بدست یعنی که از این خلقت نیست * و نه بخون بزها و کوسالها بلکه
 ۱۳ بخون خود بکمرتبه فقط بمکان اقدس داخل شد و فدیه ابدی را یافت * زیرا هرگاه
 خون بزها و گاو و خا کستر کوساله چون بر آلودگان پاشید میشود تا بطهارت
 ۱۴ جسی مقدس میسازد * پس آیا چند مرتبه زیاده خون مسیح که بروح ازلی
 ۱۵ خویشش را بیعیب بخدا گذرانید ضمیر شمارا از اعمال مرده ظاهر نخواهد ساخت تا
 ۱۶ خدا زندگ را خدمت نمایند * و از بجهت اوسط عهد تازه ایست تا چون موت
 برای کفار تقصیرات عهد اول بوقوع آمد خواند شدگان و عهده میراث ابدی را

- ۱۶ بیابد * زیرا در هر جائیکه وصیتی است لابد است که موت وصیت کننده را تصور
 ۱۷ کند * زیرا که وصیت بعد از موت ثابت میشود. زیرا مادامیکه وصیت کننده
 ۱۸ زنده است استحکامی ندارد * و از اینرو آن اول نیز بدون خون برقرار نشد *
 ۱۹ زیرا که چون موسی تمامی احکام را بحسب شریعت بسع قوم رسانید خون کوساله‌ها
 و بزهارا با آب ویشم قرمز و زوفا گرفته آنرا بر خود کتاب و تمامی قوم پاشید *
 ۲۰ و گفت این است خون آنهدیکه **خدا** با شما قرار داد * و همچنین خیمه و جمیع
 ۲۱ آلات خدمت را نیز بخون بیالود * و بحسب شریعت تقریباً همه چیز بخون طاهر میشود
 ۲۲ و بدون ریختن خون آمرزش نیست * پس لازم بود که مثلهای چیزهای سیاوی
 به اینها طاهر شود لکن خود سیاویات قربانیهای نیکوتر از اینها * زیرا مسیح بقدم
 ۲۳ ساخته شد بدست داخل نشد که مثال مکان حقیقی است بلکه بخود آسمان تا
 آنکه الآن در حضور **خدا** بجهت ما ظاهر شود * و نه آنکه جان خود را بارها
 ۲۴ قربانی کند مانند آن رئیس کهنه که هر سال با خون دیگری بمکان اقدس داخل
 ۲۵ میشود * زیرا در این صورت میبایست که او از نیاد عالم بارها زحمت کشید باشد
 ۲۶ لکن الآن بکرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا قربانی خود کنه را بسازد * و چنانکه
 ۲۷ مردم را يك بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است * همچنین مسیح نیز چون
 یکبار قربانی شد تا کناهان بسیار را رفع نماید بار دیگر بدون کناه برای کسانیکه
 منتظر او میباشند ظاهر خواهد شد بجهت نجات *

باب دهم

- ۱ زیرا که چون شریعت را سایه نعمتهای آینه است نه نفس صورت آن چیزها آن
 هرگز نمیتواند هر سال بهمان قربانیهاییکه پیوسته میگذرانند تقریب جویندگان را
 ۲ کامل گرداند * والا آیا گذرانیدن آنها موقوف نمیشد چونکه عبادت کنندگان
 ۳ بعد از آنکه یکبار پاک شدند دیگر حس کناهان را در ضمیر نمیداشتند * بلکه در اینها
 ۴ هر سال یادگاری کناهان میشود * زیرا بحال است که خون گاوها و بزها رفع
 ۵ کناهانرا بکند * لهذا هنگامیکه داخل جهان میشود میکوبد قربانی و هدیه را
 ۶ نخواستی لکن حسدی برای من مهیا ساختی * قربانیهای سوختنی و قربانیهای کناه

- ۷ رغبت نداشتی * آنگاه گفتیم اینک میام (در طومار کتاب در حق من مکتوب است)
 ۸ تا اراده ترا **بخدا** بجا آورم * چون پیش میکوبید هدایا و قربانیها و قربانیهای
 ۹ سوختنی و قربانیهای کناه را نخواستی و بآنها رغبت نداشتی که آنها را بحسب شریعت
 ۱۰ میکذرانند * بعد گفت که اینک میام تا اراده ترا **بخدا** بجا آورم پس اولاً
 ۱۱ بر میدارد تا دوماً استوار سازد * و باین اراده مقدس شمام قربانی جسد عیسی
 ۱۲ مسیح بکرتبه فقط * و هرگاه هر روز بخدمت مشغول بوده میباشند و همان
 ۱۳ قربانیها را مکرراً میکذرانند که هرگز رفع کناهان را نمیتواند کرد * لکن او چون
 ۱۴ يك قربانی برای کناهان گذرانید بدست راست **خدا** بنشست تا ابدالآباد * و بعد
 ۱۵ از آن منتظر است تا دشمنانش پای انداز او شوند * از آنرو که يك قربانی مقدسانرا
 ۱۶ کامل گردانید است تا ابدالآباد * و روح القدس نیز برای ما شهادت میدهد زیرا
 ۱۷ بعد از آنکه گفته بود * این است آنهدیکه بعد از آن ایام با ایشان خواهم بست
 ۱۸ **خداوند** میکوبد احکام خود را در دلهای ایشان خواهم نهاد و بر ذهن ایشان
 ۱۹ مرقوم خواهم داشت * (باز میکوبد) و کناهان و خطایای ایشان را دیگر یاد نخواهم
 ۲۰ آورد * اما جائیکه آمرزش اینها هست دیگر قربانی کناهان نیست *
 ۲۱ پس ای برادران چونکه بخون عیسی دلیری داریم تا بمکان اقدس داخل شویم *
 ۲۲ از طریق تازه و زنده که آنرا بجهت ما از میان پرده یعنی جسم خود مهیا نموده است *
 ۲۳ و کاهنی بزرگ را برخانه **خدا** داریم * پس بدل راست در قیام ایمان دلهای خود را
 ۲۴ از ضمیر بد پاشید و بدنهای خود را بآب پاک غسل داده نزدیک بیائیم * و اعتراف
 ۲۵ امید را محکم نگاه داریم زیرا که وعده دهند امین است * و ملاحظه یکدیگر را بنائیم
 ۲۶ تا بحسب و اعمال نیکو ترغیب نمائیم * و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه
 ۲۷ بعضی عادت است بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیادتر به اندازه که ببینید که
 ۲۸ آنروز نزدیک میشود * زیرا که بعد از پذیرفتن معرفت راستی اگر عمداً کناهار
 ۲۹ شویم دیگر قربانی کناهان باقی نیست * بلکه انتظار هولناک عذاب و غیرت اتشی که
 ۳۰ مخالفان را فرو خواهد برد * هر که شریعت موسی را خوارشرد بدون رحم بدویاسه
 ۳۱ شاهد کشته میشود * پس بچه مقدار کمان میکوبد که آنکس مستحق عقوبت سختتر
 ۳۲ شده خواهد شد که بسرا **خدا** پایمال کرد و خون عهدی را که بآن مقدس گردانید

- ۴۰ شد ناپاک شهرد و روح نعمترا بیحرمیت کرد * زیرا میشناسیم اورا که گفته است خداوند میگوید انتقام از آن من است * من مکافات خواهم داد و ایضاً خداوند قوم خود را
- ۴۱ داوری خواهد نمود * افتادن بدستهای خدای زنده چیزی هولناک است * ولیکن ایام سلفرا بیاد آورید که بعد از آنکه منور گردیدید محمل مجاهد عظیم اردرها
- ۴۲ شدید * چه از اینکه از دشمنها و زحمات ناشای مردم میشدید وجه از آنکه شریک
- ۴۳ با کسانی میبودید که در چنین چیزها بسر میبردند * زیرا که با اسیران نیز هم درد
- ۴۴ میبودید و تاراج اموال خود را نیز بخوشی میپذیرفتید چون دانستید که خود شمارا
- ۴۵ در آسمان مال نیکوتر باقی است * پس ترك مکنید دلیری خود را که مقرون بجازات
- ۴۶ عظیم میباشد * زیرا که شمارا صبر لازمست تا اراده خدا را بجا آورده و عذرا
- ۴۷ بیایید * زیرا که بعد از آنکه زمانی آن آینه خواهد آمد و تاخیر نخواهد نمود * لکن
- ۴۸ عادل به ایمان زیست خواهد نمود و اگر مرتد شود نفس من با وی خوش نخواهد شد *
- ۴۹ لکن ما از مرتدان نیستیم تا هلاک شویم بلکه از ایمانداران تا جان خود را در بائیم *
- باب یازدهم
- ۱ پس ایمان اعتماد بر چیزهای امید داشته شد است و برهان چیزهای نا دیده *
- ۲ زیرا که باین براسی قدماء شهادت داده شد * به ایمان فهیده ایم که عالمها بکلمه خدا
- ۳ مرتب گردید حتی آنکه چیزهای دیدنی از چیزهای نادیدنی ساخته شد * به ایمان
- ۴ هایل قربانی نیکوتر از قاتن را بخدا گذرانید و بسبب آن شهادت داده شد که عادل
- ۵ است بآنکه خدا بهدایای او شهادت میدهد و بسبب همان بعد از مردن هنوز گویند
- ۶ است * به ایمان خونخ متقل کشت تا موت را نه بیند و نایاب شد چرا که خدا اورا
- ۷ متقل ساخت زیرا قبل از انتقال وی شهادت داده شد که رضامندی خدا را حاصل
- ۸ کرد * لیکن بدون ایمان تحصیل رضامندی او محال است زیرا هر که تقرب بخدا
- ۹ جوید لازمست که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان خود را جزا میدهد *
- ۱۰ به ایمان نوح چون درباره اموریکه تا آن وقت دیده نشد الهام یافته بود خدا ترس شد
- ۱۱ کشتی بجهت اهل خانه خود بساخت و بآن دنیا را ملزم ساخته وارث آن عدالتیکه از ایمان
- ۱۲ است گردید * به ایمان ابراهیم چون خواند شد اطاعت نمود و بیرون رفت بسمت

- ۹ آنمکانیکه میبایست بمیراث یابد پس بیرون آمد و نمیدانست بکجا می رود * و به ایمان
- ۱۰ در زمین وعده مثل زمین بیکانه غربت پذیرفت و در خیمه ها با اسحق و یعقوب که
- ۱۱ در میراث همین وعده شریک بودند مسکن نمود * زانرو که متروپ شهری با بنیاد بود
- ۱۲ که معمار و سازندگان آن خداست * به ایمان خود ساره نیز قوت قبول نسل یافت و بعد
- ۱۳ از انقضای وقت زائید چونکه وعده دهند را امین دانست * و از این سبب از بیک
- ۱۴ نفر و آنهم مرده مثل ستارگان آسمان کثیر و مانند ریگهای کنار دریا بیشتر زائید شدند *
- ۱۵ در ایمان همه ایشان فوت شدند در حالیکه وعده ها را نیافته بودند بلکه آنها را از دور
- ۱۶ دیده تحیت گفتند و اقرار کردند که بر روی زمین بیکانه و غریب بودند * زیرا
- ۱۷ کسانیکه همچنین میگویند ظاهر میسازند که در جستجوی وطنی هستند * و اگر جائیرا
- ۱۸ که از آن بیرون آمدند بخاطر میآوردند هر آینه فرصت میداشتند که (بدانجا)
- ۱۹ برگردند * لکن الحال مشتاق وطنی نیکوتر یعنی (وطن) ساوی هستند و از اینرو
- ۲۰ خدا از ایشان عار ندارد که خدای ایشان خواند شود چونکه برای ایشان شهری
- ۲۱ مهیا ساخته است * به ایمان ابراهیم چون امتحان شد اسحق را گذرانید و آنکه
- ۲۲ وعده ها را پذیرفته بود بسر یگانه خود را قربانی میکرد * که باو گفته شد بود که
- ۲۳ نسل تو به اسحق خواند خواهد شد * چونکه یقین دانست که خدا قادر بر برانگیزانیدن
- ۲۴ از اموات است و همچنین اورا در مثلی از اموات نیز باز یافت * به ایمان اسحق نیز
- ۲۵ یعقوب و عیسورا در امور آینه برکت داد * به ایمان یعقوب در وقت مردن خود هر
- ۲۶ یکی از پسران یوسف را برکت داد و بر سر عصای خود بجهت کرد * به ایمان یوسف
- ۲۷ در حین وفات خود از خروج بنی اسرائیل اخبار نمود و درباره استخوانهای خود
- ۲۸ وصیت کرد * به ایمان موسی چون متولد شد والدینش اورا طفلی جمیل یافته سه
- ۲۹ ماه پنهان کردند و از حکم پادشاه بیم نداشتند * به ایمان چون موسی بزرگ شد ابا
- ۳۰ نمود از اینکه پسر دختر فرعون خواند شود * و ذلیل بودن با قوم خدا را پسندید تر
- ۳۱ داشت از آنکه لذت اندک زمانی کناها را ببرد * و عار مسیحرا دولتی بزرگتر از خزان
- ۳۲ مصر پنداشت زیرا که بسوی مجازات نظر میداشت * به ایمان مصر را ترك کرد و از
- ۳۳ غضب پادشاه ترسید زیرا که چون آن نادیده را بدید استوار ماند * به ایمان عید
- ۳۴ فصیح و پاشیدن خونرا بعمل آورد تا هلاک کننده نخسترا دکان برایشان دست

- ۲۹ نگذارند * به ایمان از بحر قلزم بخشگی عبور نمودند و اهل مصر قصد آن کرده غرق
 ۳۰ شدند * به ایمان حصار آریحا چون هفت روز آنرا طواف کرده بودند بزیر افتاد *
 ۳۱ به ایمان راحاب فاحشه با عاصیان هلاک نشد زیرا که جاسوسانرا اسلامی پذیرفته بود *
 ۳۲ و دیگر چه کوم زبرا که وقت مرا کفاف نمیدهد که از جدعون و باراق و شمشون
 ۳۳ و یفناح و داود و سموئیل و انبیاء اخبار نمایم * که از ایمان تسخیر مالک کردند و به اعمال
 ۳۴ صالحه پرداختند و وعده‌ها را پذیرفتند و دهان شیرانرا بستند * سورت آنرا
 خاموش کردند و از دم شمشیرها رستگار شدند و از ضعف توانائی یافتند و در جنگ
 ۳۵ شجاع شدند و لشکرهای غریب را منهزم ساختند * زنان مردکان خود را بیگانه باز
 یافتند لکن دیگران معذب شدند و خلاصیرا قبول نکردند تا بقیامت نیکوتر برسند *
 ۳۶ و دیگران از استهزاهای و تازیانه‌ها بلکه از بندها و زندان آزوده شدند * سنکسار
 کردیدند و با آره دوباره کشتند * تجربه کرده شدند و بشمشیر مقتول گشتند * در
 ۳۸ پوستهای کوفسندگان و بزها محتاج و مظلوم و ذلیل آواره شدند * آنانیکه جهان لایق
 ۳۹ ایشان نبوده در صحراها و کوهها و مغاره‌ها و شکافهای زمین پراکنده گشتند * پس
 ۴۰ جمیع ایشان با اینکه از ایمان شهادت داده شدند و عده‌را نیافتند * زیرا خدا
 برای ما چیزی نیکوتر مهیا کرده است تا آنکه بدون ما کامل نشوند *

باب دوازدهم

- ۱ بنا برین چونکه ما نیز چنین ابرشاهدانرا کردار خود داریم هر بارکران
 و کناهیرا که مارا سخت میسجد دور بکنیم و با صبر در آن میدان که پیش روی ما
 ۲ مقرر شده است بدویم * و بسوی پیشوا و کامل کنند ایمان یعنی عیسی نکران باشم
 که بجهت آن خوشی که پیش او موضوع بود بچیرمیترا ناچیز شده محمل صلیب
 ۳ کردید و بدست راست تحت خدا نشسته است * پس تفکر کنید در او که محمل
 چنین مخالفتی بود که از کناهکاران باو پدید آمد مادا در جانهای خود ضعف کرده
 ۴ خسته شوید * هنوز در جهاد با کناه تا بجد خون مقاومت نکرده‌اید * و نصیحترا
 ۵ فراموش نموده‌اید که با شما چون با پسران مکمله میکند که ای پسر من تادیب
 ۶ خداوندرا خوار شمار و وقتیکه از او سرزنش یابی خسته خاطر مشو * زیرا هر

- کرا خداوند دوست میدارد تو بیخ میفرماید و هر فرزند مقبول خود را بتازیانه میزند *
 ۷ اگر محمل تادیب شوید خدا با شما مثل با پسران رفتار مینماید زیرا کدام پسر
 ۸ است که پدرش او را تادیب نکند * لکن اگر بی تادیب مینماید که همه از آن
 ۹ بهره یافتند پس شما حرام زادگانید نه پسران * و دیگر پدران جسم خود را وقتی
 داشتیم که مارا تادیب مینمودند و ایشانرا احترام مینمودیم آیا از طریق اولی پدر
 ۱۰ روحها را اطاعت نکنیم تا زنگ شویم * زیرا که ایشان اندک زمانی موافق صوابدید
 ۱۱ خود مارا تادیب کردند لکن او بجهت فایده تا شریک قدوسیت او کردیم * لکن
 هر تادیب در حال نه از خوشیها بلکه از دردها مینماید اما در آخر میوه عدالت
 ۱۲ سلامتیرا برای آنانیکه از آن ریاضت یافته‌اند بار میآورد * لهذا دستهای افتاده
 ۱۳ و زانوهای سست شمر را استوار نمائید * و برای پایهای خود راههای راست
 ۱۴ بسازید تا کسیکه لنگ باشد از طریق مغرف نشود بلکه شفا یابد * و در پی سلامتی
 ۱۵ با همه بکوشید و تقدسیکه بغیر از آن هیچ کس خداوندرا نخواهد دید * و مترصد
 باشید مبادا کسی از فیض خدا محروم شود و ریشه مرارت نموده اضطراب بار
 ۱۶ آورد و جمعی از آن آلوده کردند * مبادا شخصی زانی یا بی مبالا پیدا شود مانند
 ۱۷ عیسو که برای طعامی نخستزادگی خود را بفروخت * زیرا میدانید که بعد از آن
 نیز وقتیکه خواست وارث برکت شود مردود کردید (زیرا که جای توبه پیدا نمود)
 ۱۸ با آنکه با اشکها در جستجوی آن بکوشید * زیرا تقرب نجسته‌اید بکوهیکه میتوان
 ۱۹ لمس کرد و با آتش افروخته و نه بتاریکی و ظلمت و باد سخت * و نه با آواز کربا و صدای
 ۲۰ کلایمیکه شنوندگان التماس کردند که آن کلام دیگر بدیشان گفته نشود * زیرا که
 محمل آن قدغن توانستند شد که اگر حیوانی نیز کوهرا لمس کند سنکسار یا بنزه
 ۲۱ زده شود * و آن رویت بجدی ترسناک بود که موسی گفت بغایت ترسان ولرز نام *
 ۲۲ بلکه تقرب جستاید بچهل صهیون و شهر خدا حی یعنی اورشلیم ساوی و بچنود
 ۲۳ بیشماره از محفل فرشتگان * و کلیسای نخستزادگانیکه در آسمان مکتوبند و بخدای
 ۲۴ داور جمیع و به ارواح عادلان مکمل * و بعضی متوسل عهده جدید و بخون پاشید
 ۲۵ شد که متکلم است بمعنی نیکوتر از خون هایل * زنهار از آنکه سخن میکوبد رو
 مگردانید زیرا اگر آنانیکه از آنکه بر زمین سخن گفت روگردانیدند نجات نیافتند

پس ما چگونه نجات خواهیم یافت اگر از او که از آسمان سخن میگوید روگردانیم *
 ۲۶ که آواز او در آنوقت زمین را جنبانید لکن الآن وعده داده است که بکرتبه دیگر
 ۲۷ نه فقط زمین بلکه آسمانرا نیز خواهم جنبانید * و این قول او بکرتبه دیگر اشاره
 ۲۸ است از تبدیل چیزهاییکه جنبانید میشود مثل آنهائیکه ساخته شد تا آنهائیکه
 جنبانید نمیشود باقی ماند * پس چون ملکوترا که نمیتوان جنبانید میبایم شکر
 ۲۹ بجا بیآوریم تا بجزوع و تقوی **خدارا** عبادت پسندید نمائیم * زیرا خدای ما آتش
 فروبرنده است *

باب سیزدهم

۱ محبت برادرانه برقرار باشد * و از غریب نوازی غافل مشوید زیرا که بآن بعضی
 ۲ نادانسته فرشتگانرا ضیافت کردند * اسیرانرا بخاطر آرید مثل هزندان ایشان
 ۳ و مظلومانرا چون شما نیز در جسم هستید * نکاح بهر وجه محترم باشد و بسترش
 ۴ غیر نجس زیرا که فاسقان و زانیانرا **خدا** داوری خواهد فرمود * سیرت شما از محبت
 ۵ نفع خالی باشد و آنچه دارید قناعت کنید زیرا که او گفته است ترا هرگز رها نکم
 ۶ و ترا ترک نخواهم نمود * بنا برین ما با دلیری تمام میگوئیم خداوند مدد کننده من
 ۷ است و ترسان نخواهم بوده اسان بمن چه میکند * مرشدان خود را که **کلام خدارا**
 ۸ بشما بیان کردند بخاطر دارید و انجام سیرت ایشانرا ملاحظه کرده به ایمان ایشان
 ۹ اقتداء نمائید * عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است * از تعلیمهای
 مختلف و غریب از جا برده مشوید زیرا بهتر آنستکه دل شما بفیض استوار شود و نه
 ۱۰ به خوراکیهاییکه آنانیکه در آنها سلوک نمودند فائده نیافتند * مذبحی داریم که خدمت
 ۱۱ گذاران آنخیمه اجازت ندارند که از آن بخورند * زیرا که جسد های آن حیواناتیکه
 رئیس گهنه خون آنها را به قدس اقتداس برای گناه میبرد بیرون از لشکرگاه
 ۱۲ سوخته میشود * بنا برین عیسی نیز تا قوما بخون خود تقدیس نماید بیرون دروازه
 ۱۳ عذاب کشید * لهذا عار او را بر گرفته بیرون از لشکرگاه سوی او برویم * زانرو که
 ۱۴ در اینجا شهری باقی نداریم بلکه آیند را طالب هستیم * پس بوسیله او قربانی تسبیحرا
 ۱۵ **بخدا** بگذرانیم یعنی ثمره لبها ئیرا که باسم او معترف باشد * لکن از نیکوکاری
 ۱۶ و خیرات غافل مشوید زیرا **خدا** بهمین قربانیها راضی است * مرشدان خود را

اطاعت و انقیاد نمائید زیرا که ایشان پاسائی جانهای شمارا میکنند چونکه حساب
 ۱۸ خواهند داد تا آنرا بخوشی نه بناله بجا آورند زیرا که این شمارا مفید نیست * برای
 ما دعا کنید زیرا مارا یقین است که ضمیر خالص داریم و میخواهیم در هر امر رفتار
 ۱۹ نیکو نمائیم * و بیشتر التماس داریم که چنین کنید تا زودتر بنزد شما باز آورده شوم *
 ۲۰ پس **خدای** سلامتی که شبان اعظم کوسفندان یعنی **خداوند** ما عیسی را بخون
 ۲۱ عهد ابدی از مردگان بر خیزانید * شمارا در هر عمل نیکو کامل کرداناد تا اراده
 او را بجا آورید و آنچه منظور نظر او باشد در شما بعمل آورڈ بوساطت عیسی مسیح
 ۲۲ که او را تا ابدالابد جلال باد آمین * لکن ای برادران از شما التماس داریم که این
 ۲۳ کلام نصیحت آمیز را محتمل شوید زیرا مختصری نیز بشما نوشته ام * بدانید که برادر
 ما تیموتاؤس رهائی یافته است و اگر زود آید به اتفاق او شمارا ملاقات خواهم نمود *
 ۲۴ همه مرشدان خود و جمیع مقدسینرا سلام برسانید و آنانیکه ارایتالیا هستند بشما سلام
 ۲۵ میرسانند * هکئی شمارا فیض باد آمین *

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰